

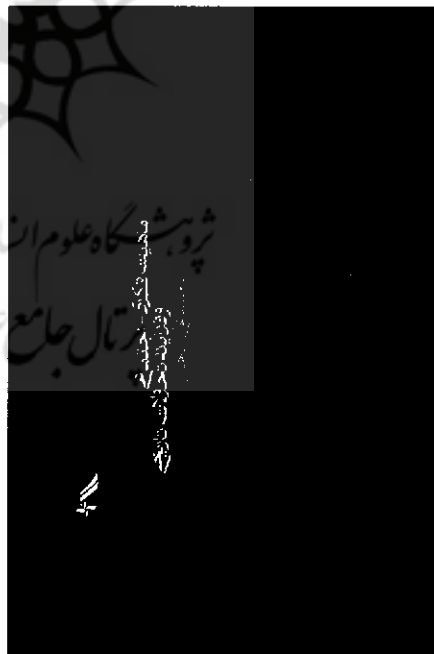


# مشعشعیان در تاریخ تشیع

○ نادر خبازی دولت‌آباد

سده نهم هجری قمری در تاریخ فعالیت گروه‌ها و جنبش‌هایی با گرایش‌های تشیع غالبانه اهمیت زیادی دارد. این دوره با گرایش به تقابل و سرکشی در برابر اسلام سنتی مشخص می‌شود. این گرایش را نیروهای محلی در ساختار قدرت رو به زوال هدایت می‌کردند. در چنین محیطی بود که سیدمحمد نظریات خود را دربارهٔ رسالت مهدویت خویش مطرح کرد.<sup>۱</sup> جنبش مشعشعیان را می‌توان در زمرهٔ عصیان بدرالدین سماوی و بورکولجه مصطفی در ۱۴۱۶ ق در آناتولی، مهدویت نوربخش، افراط‌کاری قراقویونلوها و تبلیغات پدر و جد شاه اسماعیل صفوی در اردبیل قرار داد.<sup>۲</sup> تمامی این جنبش‌ها در رویکرد مبالغه‌آمیز نسبت به تشیع همانند بودند.

تحقیقات دربارهٔ سلسله سادات مشعشعی سابقهٔ چندانی ندارد. نخستین بار احمد کسروی با معرفی یکی از متون مهم مشعشعیان به نام کلام‌المهدی بررسی تاریخی و اعتقادی گذرایی از این جنبش ارائه داد. تک‌نگاری احمد کسروی دربارهٔ مشعشعیان از دیدگاه‌های اعتقادی وی نسبت به شیعه‌گری متأثر بود. وی هیچ‌گاه تمامی منابع اصیل را به طور همه‌جانبه ارزیابی نکرده است. سیاوش دلفانی تک‌نگاری دیگری با عنوان تاریخ مشعشعیان پیروان اهل حق نگاشته که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده است. نویسنده بر این باور است که زندگانی بزرگان و رهبران و سردمدارانی که در این دوره از تاریخ ظهور کرده‌اند، به درستی و به دور از غرض و هواهای نفسانی تجزیه و تحلیل نشده و کار محققانی چون کسروی نیز تماماً یک‌جانبه و همراه با غرض‌ورزی و کینهٔ بسیار صورت گرفته است. نویسنده از روایت‌های شفاهی گوناگون که در بین مردم رایج بوده



○ مشعشعیان (ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی)  
 ○ تألیف دکتر محمدعلی رنجبر  
 ○ تهران: آگه، ۱۳۸۲



عنوان «بررسی اجمالی جنبش‌های فکری و سیاسی»، نویسنده چشم‌اندازی عمومی به اوضاع سیاسی سده‌های هشتم و نهم هجری قمری دارد که برای فهم بهتر جنبش‌های این سده‌ها سودمند است. آمد و شد حکومت‌های مختلف همانند تیموریان، آق‌قویونلوها و قراقویونلوها و ضعف فترت مداوم آنها زمینه را برای برآمدن خیزش‌های اجتماعی مختلف در این دوران مساعد کرده بود. از طرف دیگر کم‌توجهی قدرت‌های مرکزی به مذهب رسمی، به آمیزه‌ای از بدعت‌های گوناگون در مکاتبی چون تشیع و تصوف منجر شد و جریان‌های فکری و اعتقادی جدیدی پا به عرصه وجود گذاشت. نویسنده کتاب در مجموع به خاصیت ساختارشکن این باورها معتقد است که از طرف محافل رسمی اهل سنت و شیعه دوازده‌امامی مورد قبول نبود. اما در هر حال آبشخور این هیئت فکری جدید را متأثر از تشیع و تصوف می‌داند.

در ادامه، نویسنده به جنبش سربداران، حروفیان، نوربخشیه، صفویان متقدم و اهل حق می‌پردازد. مراد وی در اینجا شرح و توضیح آموزه‌ها و اهداف این جنبش‌ها نیست و اصولاً چنین چیزی در این مجال امکان ندارد؛ بلکه وی می‌خواهد تصویری فراگیر از جنبش‌های غالبانه سده هشتم و نهم هجری قمری به دست دهد و وارد بحث مشعشعیان شود. مؤلف به اختصار به زندگانی رهبران جنبش‌ها و روابط آنها با حکومت‌های مرکزی و همچنین آموزه‌های رهبران، نوع مخاطبان، اهداف اجتماعی و معرفی آثار مکتوب باقی مانده از آنها می‌پردازد. در پایان فصل با نگرشی تطبیقی ترکیب پیروان و مخاطبان طریقت‌ها و جنبش‌ها را ارزیابی می‌کند.

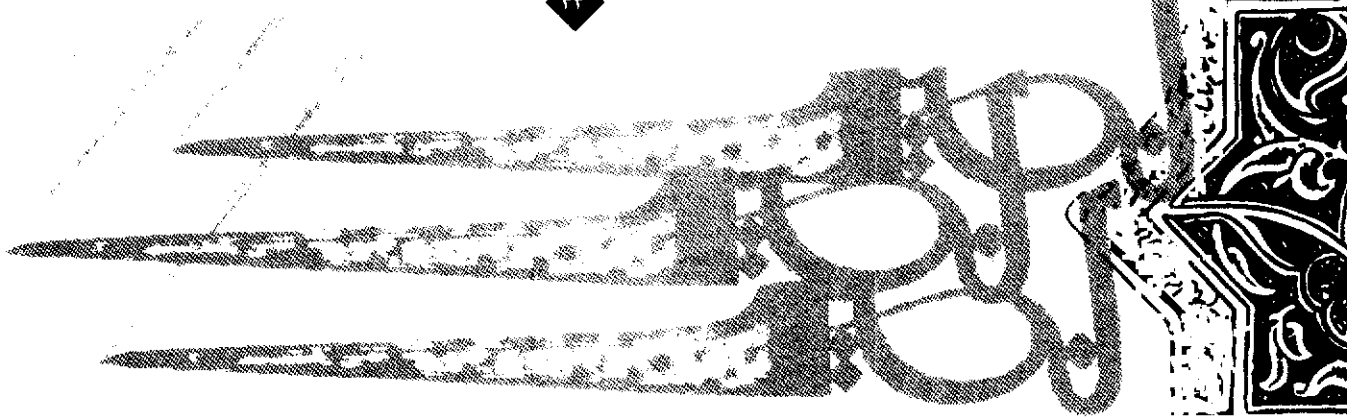
بخش دوم با عنوان «دوران جنبش و حکومت مستقل

بهره گرفته تا ماهیت جنبش را به خوبی آشکار کند. با وجود این، اثر وی که بیشتر نقد و حتی حمله به آرای کسروی است، به فرقه اهل حق «آتش بیگی» که بدنه اصلی این سادات عالی‌تبار است پرداخته و از کنار بقیه به اختصار گذشته است. دکتر رنجبر در کتاب خود اشاره‌ای به این اثر ندارد.

از بین محققان خارجی جاسم حسن شبر، پژوهشگر عراقی، از پرکارترین پژوهشگران در این عرصه است. او خود از این خاندان برخاسته و در دو اثر خود، تاریخ المشعشعین و تراجم اعلامهم و مؤسس دولة المشعشعیه و اعقابیه فی عربستان و خارجها رسالت دفاع از اصول اعتقادی مطلوب مشعشعیان را به دوش دارد و چه بسا بسیاری از واقعیت‌های تاریخی را نیز نادیده گرفته است (ص ۳۶). اما روشمندترین پژوهش را درباره مشعشعیان، کامل مصطفی شیبی در کتاب تشیع و تصوف ارائه داده است. وی در این اثر مشعشعیان را بخشی از روند طولانی و خیزش‌های متأثر از تصوف و تشیع می‌داند. به نظر می‌رسد هیچ اثر مستقلی درباره تاریخ، عقاید و آموزه‌های مشعشعیان به زبان‌های اروپایی تألیف نشده و در سال‌های اخیر تنها به چاپ برخی مقالات در جراید گوناگون و دایرةالمعارف‌ها بسنده شده است. بنابراین نگارش کتابی جامع و کامل درباره تحولات تاریخی و ماهیت فکری و اعتقادی مشعشعیان ضروری بود.

نویسنده کتاب در مقدمه، به فراخور موضوع، پرسش‌های اساسی و فرضیه‌های خود را مطرح می‌کند و سپس به نقد و بررسی منابع و تحقیقات جدید در باب مشعشعیان می‌پردازد.

مطالب کتاب در سه بخش تنظیم شده است. در بخش یکم با



معنا که این ره‌آورد جدید اعتقادی صرفاً به اعراب مختص نبوده است.

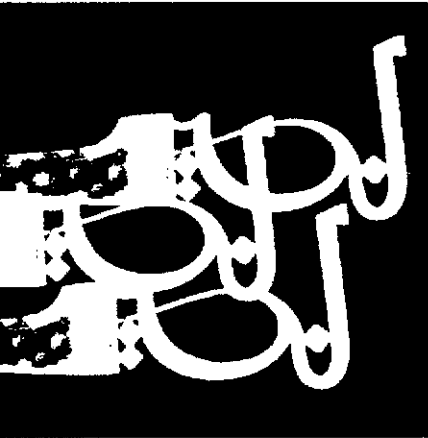
نویسنده از رهبری مولی علی بر دولت مشعشعی به عنوان «فترت کوتاه» نام می‌برد. هرچند که از فرآیند قدرت‌گیری وی در زمان حیات پدر آگاهی درستی به دست نمی‌دهد. مولی علی بر آن باور بود که روح امیرالمؤمنین در او حلول کرده و علی(ع) نمرده است و نمی‌میرد و برای او مزاری نیست و همین سبب موجب حمله وی به نجف اشرف و قتل ساکنان آن شد (ص ۱۷۱). نویسنده به بحث درباره چگونگی روابط سیدمحمد و مولی علی می‌پردازد و مبنای اختلافات آنها را بررسی می‌کند، وی اقدامات سیدمحمد را در این دوره مزورانه تلقی نمی‌کند بلکه بر آن است که هوشمندی سیدمحمد در برخورد با اندیشه‌ها و اقدامات مولی علی مانع انشعاب و اضمحلال زود هنگام جنبش مشعشعی می‌شود. ولی کسروی بر تزویر سیدمحمد تاکید دارد. نویسنده، دوران زمامداری سلطان محسن را دوره استقرار حکومت مشعشعی و گسترش قلمرو آن ذکر می‌کند و بر آن است که استقرار و ثبات موجودیت مشعشعیان بی‌تأثیر از سیاست اسکان و دفاع او نبود. به طوری که فعالیت‌های عمده در دوره زمامداری محسن، ساخت و تجدید بنای قلاع و حصار شهرها بود. از لحاظ اعتقادی نیز به روند اعتدال‌گرایانه اندیشه‌های مشعشعیان اشاره می‌شود که عالمان شیعی در این زمان سلطان را به چشم حامی دین می‌نگریستند و برخی عالمان آثاری نیز به نام وی تألیف کردند.

در ذیل عنوان «دوران بحران» نویسنده از رویارویی صفویان و مشعشعیان بحث می‌کند و با استفاده از منابع مختلف سعی در هم‌سنجی و ارزیابی گزارش‌های مختلف درباره نحوه رویارویی آنان دارد. در ادامه با اشاره به خاستگاه مشابه فکری و اعتقادی صفویان و مشعشعیان بر آن است که همین دعوی‌های واحد و جایگاه مشروعیت همسان یکی از عوامل مهم رویارویی آنان بود و دولت تازه تأسیس صفوی نتوانست وجود مشعشعیان شیعی را تحمل کند. در مبحث «ماهیت فکری» جنبش که بی تردید مهم‌ترین قسمت این پژوهش است، از مهدویت و الوهیت با عنوان دو محور مهم در چارچوب فکری سیدمحمدبن فلاح سخن می‌رود. نویسنده

مشعشعیان» به تأسیس، تحکیم و زوال حکومت مستقل مشعشعیان می‌پردازد و در نهایت ماهیت فکری و اجتماعی جنبش را مشخص می‌سازد. نویسنده در ابتدای بحث به حوزه فعالیت مشعشعیان می‌پردازد. وی این حوزه را به دو منطقه خوزستان و عربستان (بخشی از جنوب عراق عرب) تقسیم می‌کند و خوزستان را منطقه‌ای می‌داند که در طول تاریخ ایران به این نام نامیده می‌شده است. سپس به مشخص کردن ترکیب قومی و جمعیتی آن می‌پردازد (ص ۱۲۲). نویسنده با اشاره به ترکیب ایرانی و عرب حویزه که آن را نخستین کانون حکومت مشعشعیان می‌داند، بر آن است که پس از تأسیس نیز توسعه این دولت در غرب حویزه صورت گرفته نه در شرق آن.

در ذیل عنوان «رهبری»، نویسنده به دنبال یافتن نخستین آگاهی‌ها درباره سیدمحمد از میان کتب تاریخی است. قاضی نورالله در مجالس المومنین سال ظهور سیدمحمد را ۸۲۸ یا ۸۴۰ می‌داند و به نقل از تاریخ غیائی آن را ۸۲۰ ذکر می‌کند. نویسنده بر این باور است که تاریخ دقیق پیدایی و ابراز عقاید سیدمحمدبن فلاح در دست نیست و تا زمانی که درگیری‌های نظامی مشعشعیان با حکومت‌های مجاور آغاز نشده در دیگر منابع، تاریخ دقیقی از پیدایش آنها به میان نیامده است. نویسنده نظریات قاضی نورالله و سیدعلی خان را مبنی بر اینکه آغاز دعوی‌های سیدمحمد هم‌زمان با دستیابی وی بر کتاب شیخ احمد بن فهد حلی در «علوم غریبه و امور عجیبه و کرامات مهیبه» است قبول نمی‌کند و احتمال می‌دهد که ظهور عقاید وی هم‌زمان با جدایی و بریدن سیدمحمد از مکتب فقهی زهدگرایانه و متصوفانه احمدبن فهد حلی بوده است که به صدور فرمان قتل وی از طرف استادش منجر شد (ص ۱۵۰).

در مبحث «نخستین تکاپوهای نظامی» نویسنده نشان می‌دهد که نخستین گروه‌ندگان به سیدمحمد، قبایل عرب ساکن در باتلاقی‌های حومه واسط بودند. ولی سیدمحمد با عناصر شیعه و سنی حوزه عراق به یکسان مشکل داشت. نویسنده با اشاره به عدم توانایی دولت مشعشعی برای توسعه به غرب که سرزمین‌های عرب‌نشین بود، متذکر می‌شود که نمی‌توان از تمایزات نژادی یا صرفاً اعتقادی به شناسایی هواداران یا مخالفان وی پرداخت؛ بدین



مناسبات مشعشعیان با حکومت‌های مرکزی ایران می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد که در دوره نخست حکومت صفویان که عصر حاکمیت قزلباش‌ها بود، مشعشعیان علی‌رغم تبعیت از حکومت مرکزی از استقلال رای و عمل وسیعی برخوردار بودند. بدین دلیل ساده که بافت ایلیاتی قزلباش‌ها سبب گرایش آنها به گریز از مرکز می‌شد. ولی در دوره دوم با اصلاحات عباس اول و تمرکز دولت به «والی» مبدل شدند. هرچند که نویسنده به اهمیت و اعتبار والی عربستان به دلیل سیادت و شجاعت و زیادت ایل و عشیرت اشاره دارد. در ذیل عنوان «والی حویزه و برافندان حکومت صفوی» به نقش والی حویزه در روند رویارویی صفویان با افغان‌ها پرداخته می‌شود. نویسنده با توجه به نقد و بررسی متون تاریخی در پی حل چیستان خیانت والی عربستان به دولت صفوی است. منابع اروپایی از اهمال و خیانت والی عربستان سخن می‌گویند و والی را سنی قلمداد می‌کنند، ولی در منابع ایرانی سخن از خیانت یا تسنن والی حویزه به میان نمی‌آید. نویسنده با رد ادعای منابع و گزارش‌های اروپاییان، از وجود اختلاف بین فرماندهان سپاه صفوی سخن می‌گوید، ولی در هر حال مسئولیت شکست را به عهده یک تن و آن هم والی حویزه نمی‌گذارد.

**پی‌نوشت‌ها:**

1. Luft, P. "Mushasha", Encyclopedia of Islam, Vol. VII. 1993.
2. Minorsky, V. "Musasalar", Islam anisklopediyasi, Vol. VIII. 1971.
۳. دلفانی، سیاوش، تاریخ مشعشعیان «پیروان اهل حق»، تهران، بحرالعلوم، ۱۳۷۹ هـ.
۴. کسروی، احمد، مشعشعیان (مختصری از تاریخ خوزستان)، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.

از دو چهره تأثیرگذار در اندیشه سیدمحمد یعنی احمدبن فهد حلی و حافظ رجب بررسی سخن می‌گوید و به بررسی محتوایی آثار آنان می‌پردازد، و معتقد است که سیدمحمد در درون‌گرایی و باطن‌اندیشی براساس زهد و عبادت از احمدبن فهد تأثیر پذیرفته و سپس با تردید اشاره می‌کند حافظ رجب بررسی نیز در مبالغه و غلو وی در مقام ائمه شیعه و مضامین متصوفانه باورهای وی تأثیرگذار بود.

سیدمحمد با استناد به احادیث پیامبر اسلام وجود و حضور امام غائب را اثبات می‌کند و بر آن است که ظهور در جهت پایان دادن به ظلم و ستم است و وی مقام نیابت خود را نیز صرفاً برای آزمودن مردم می‌داند که باورمندان و یاریگران امام تمییز داده شوند. وی معتقد بود که امام قائم در هنگام ظهور از چنان قدرتی برخوردار است که هیچکس نمی‌تواند با وی مخالفت کند ولی برای تشخیص پرهیزکاران و عصیانگران لازم است فردی در مقام نایب امام حضور داشته باشد تا مردم راه خود را انتخاب کنند. درواقع تمام کوشش سیدمحمد در اثبات توانایی‌های فراوان امام غائب در جهت اثبات ضرورت ظهور حجاب است که امر آزمایش را ممکن می‌کند. نویسنده در ادامه، موضوع روح و جسم و تأویل در اندیشه سیدمحمد را شرح می‌دهد. شرح و معنای واژه «مشعشع» بحث بعدی است که بجا بود نویسنده پیش از این درباره وجه تسمیه مشعشعیان سخن می‌گفت. نویسنده به دو دیدگاه درباره وجه تسمیه اشاره می‌کند ولی به درستی مشخص نمی‌کند که چرا آنها مشعشعیان نامیده شدند. در ذیل عنوان «ماهیت اجتماعی» به بررسی پایگاه اجتماعی مشعشعیان، نیروهای همراه و مخاطب آنان پرداخته می‌شود.

نویسنده معتقد است که با توجه به تعصب سیدمحمد در شیعه‌گری، قبایل یاری‌گر و همراه او باید مذهب شیعه داشته باشند. و سپس با نگاهی فراگیر و تطبیقی در پی مقایسه خاستگاه و ترکیب نیروهای اجتماعی مشعشعیان و جنبش‌های هم‌عصر آن می‌پردازد و در این میان بیشترین نزدیکی را میان صفویان و مشعشعیان می‌یابد که هر دو از لحاظ اجتماعی خاستگاه ایلی و قبیله‌ای داشتند و مخاطبان وفادار آنان اعضای این جوامع بودند.

فصل سوم با عنوان «دوران تابعیت و والیگری مشعشعیان» به